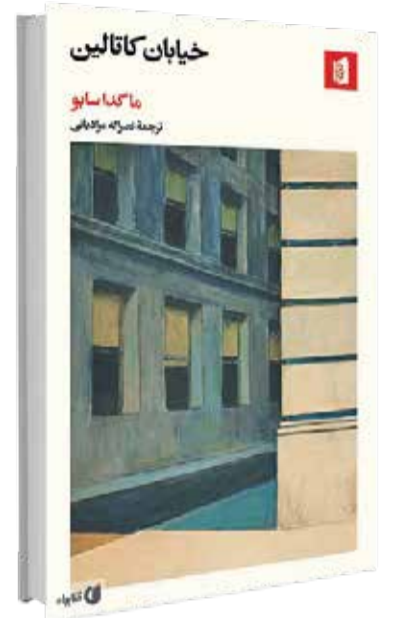


یک ماهی از یک سالگی شروع جنگ روسیه با ناتو در اوکراین گذشته و در حال کشیده شدن به مرزهای غربی و جنوبی اوکراین با حوزه بالکان یا همان اروپای شرقی است. اتفاقی که از دید بعضی نویسندگان و کارشناسان بلغاری، مجاری و رومانیایی و... شبیه اتفاقی مثل فروریختن دیوار برلین یا فروپاشی شوروی است



خیابان کاتالین

اگر جنگ جهانی اول، نقشه آسیای غربی را با فروپاشی عثمانی عوض کرد، جنگ جهانی دوم در اروپای شرقی تقریباً کارکردی مشابه داشت. با این تفاوت که سال‌ها بعد حتی تا بعد از جنگ سرد نیز پس لرزه‌های این جنگ ادامه داشت. یکی از این پس لرزه‌ها در مجارستان بود. ماگدا سابو، داستان بلیت پسر سرگرد، ایرن و بلانکا فرزندان خانواده الکس و هنریت، پسر کوچک خانواده یهودی هلد، که با هم همبازی هستند روایت می‌کند. خانواده‌هایی که از شروع جنگ جهانی دوم تا قبل از شلوغی‌ها و به هم ریختن وضع مجارستان، نزدیک دوالی سه دهه زندگی‌شان به هم گره خورده. بیشتر اتفاقات در همین خیابانی که نام کتاب است، یعنی کاتالین در بوداپست رخ می‌دهد. آلمان به مجارستان حمله می‌کند و نازی‌ها به دنبال خانواده‌های یهودی ساکن در بوداپست. خانواده هلد مخفی می‌شوند و پسرشان را به خانواده الکس می‌سپارند و فرار می‌کند. خانواده الک هم که تنها خانواده‌ای هستند که زنده مانده‌اند، بعد از جنگ، توسط شوروی به یک آپارتمان منتقل می‌شوند و مجبورند در جایی بسیار کوچک زندگی کنند. طبق معمول تمام این‌ها، افراد باقی مانده به خاطر رنج دوستان از دست داده، هیچ راهی جز مبارزه مدنی و پیوستن به گروه‌های سیاسی اجتماعی ندارند. این رمان داستان همین احساس گناه و حس انتقام است. روایتی تقریباً آشنا از وضعیت انسان در حال زندگی در زیر یوغ ایدئولوژی. چه در دوران نازی‌ها و چه بعد از آن که مجارستان دست کشمکش‌های بلوک شرق و غرب و گروه‌های به اصطلاح انقلابی می‌افتد. ماگدا سابو با داستان گویی به روانکاو انسان رنج کشیده می‌پردازد. اینکه چطور می‌شود برای کاهش رنج، درگیر کنش‌گری سیاسی اجتماعی شد. آیا خود را گول می‌زنی یا واقعاً در مسیر بهبود وضع بشری هستی؟ این رمان توسط فریبا ارجمند در نشر همان و نصرالله مرادیان در نشر بیدگل به فارسی ترجمه و به چاپ رسیده است.

بازتاب جنگ و سیاست در ادبیات داستانی اروپای شرقی

صین / سین مثل صلح / سلاح!

محمد وحیدی کارشناس ارشد ادبیات نمایشی

عید سال ۱۴۰۲ که دارید این مطلب را می‌خوانید، حدوداً یک ماهی از یک سالگی شروع جنگ روسیه با ناتو در اوکراین گذشته و دارد به مرزهای غربی و جنوبی اوکراین با حوزه بالکان یا همان اروپای شرقی کشیده می‌شود. اتفاقی که از دید بعضی نویسندگان و کارشناسان بلغاری، مجاری و رومانیایی و... شبیه اتفاقی مثل فروریختن دیوار برلین یا فروپاشی شوروی است. اما از دید آن‌ها، این بار برعکس، این ناتو و غرب است که احتمال دارد فروپاشد. جنگی که در سالگردش، برای پیرمرد پیرزن‌های ساکن اروپای شرقی دارای نشانه‌های مشابهی است؛ نشانه‌هایی از دوران بعد از جنگ جهانی دوم و دوران جنگ سرد و انقلاب‌ها و کودتاهای



بسیاری آثار اسلاونکا دراکولیچ را مرز میان داستان، نادرستان و وقایع نگاری می‌دانند. بعضی از آثارش حتی در بعضی مواقع طعنه به جستار هم می‌زنند. نویسنده‌ای اهل کرواسی که بیشتر آثارش در مورد وضعیت انسان بعد از جنگ جهانی در اروپای شرقی است. یا اینکه کمونیسم و جنگ و تغییر مرزهای بالکان چه بلای سر اخلاقیات آورد. آزارشان به مورچه هم نمی‌رسید، سومین کتاب از سه‌گانه دراکولیچ در مورد یوگسلاوی است. کشوری که امروز دیگر در نقشه وجود خارجی ندارد. همان جنگ بوسنی هم از همین تجزیه یوگسلاوی شروع شد، که الان شده در نظر گرفته که با سرنوشت اسکار در واقعیت تفاوت دارد. بخصوص اتفاقات بعد آزادی از اردوگاه. اسکار باستیور، بعد از آزادی و چندین و چند سال زیر نظر گرفته شدن توسط سرویس اطلاعات رومانی کمونیستی با آنها همکاری کرد و خبرچین‌شان شد. عنوان اصلی کتاب، فرشته گرسنگی است که در ترجمه فارسی به اردوگاه عذاب تغییر کرده. در دل داستان متوجه می‌شویم که فرشته گرسنگی چیست. موجودی یا در اصل مفهومی انتزاعی که لثو با آن قصد دارد تغییر رفتار آدم‌ها، تغییر عقیده و چهارچوب‌های اخلاقی‌شان را هنگام تحت فشار بودن عنوان کند. او به کار کردن زیاد و غذای کم دریافت کردن اسرا اشاره می‌کند و می‌خواهد بگوید هر کسی با هر خلقیات و روحیه‌ای دست به چه جنایت‌هایی برای چند لقمه غذای بیشتر که نمی‌زند؛ این تغییر از نظر لثو چیزی است مثل فرشته مرگ. اردوگاه عذاب یا ترجمه شروین جهانبخش در نشر خوب منتشر شده است.



بسیاری آثار اسلاونکا دراکولیچ را مرز میان داستان، نادرستان و وقایع نگاری می‌دانند. بعضی از آثارش حتی در بعضی مواقع طعنه به جستار هم می‌زنند. نویسنده‌ای اهل کرواسی که بیشتر آثارش در مورد وضعیت انسان بعد از جنگ جهانی در اروپای شرقی است. یا اینکه کمونیسم و جنگ و تغییر مرزهای بالکان چه بلای سر اخلاقیات آورد. آزارشان به مورچه هم نمی‌رسید، سومین کتاب از سه‌گانه دراکولیچ در مورد یوگسلاوی است. کشوری که امروز دیگر در نقشه وجود خارجی ندارد. همان جنگ بوسنی هم از همین تجزیه یوگسلاوی شروع شد، که الان شده در نظر گرفته که با سرنوشت اسکار در واقعیت تفاوت دارد. بخصوص اتفاقات بعد آزادی از اردوگاه. اسکار باستیور، بعد از آزادی و چندین و چند سال زیر نظر گرفته شدن توسط سرویس اطلاعات رومانی کمونیستی با آنها همکاری کرد و خبرچین‌شان شد. عنوان اصلی کتاب، فرشته گرسنگی است که در ترجمه فارسی به اردوگاه عذاب تغییر کرده. در دل داستان متوجه می‌شویم که فرشته گرسنگی چیست. موجودی یا در اصل مفهومی انتزاعی که لثو با آن قصد دارد تغییر رفتار آدم‌ها، تغییر عقیده و چهارچوب‌های اخلاقی‌شان را هنگام تحت فشار بودن عنوان کند. او به کار کردن زیاد و غذای کم دریافت کردن اسرا اشاره می‌کند و می‌خواهد بگوید هر کسی با هر خلقیات و روحیه‌ای دست به چه جنایت‌هایی برای چند لقمه غذای بیشتر که نمی‌زند؛ این تغییر از نظر لثو چیزی است مثل فرشته مرگ. اردوگاه عذاب یا ترجمه شروین جهانبخش در نشر خوب منتشر شده است.

چند صفحه ابتدایی را که بخوانی و قصه دست بیاید، اگر اسم نویسنده و شهرها را ندانی خیال می‌کنی داستان در فلسطین می‌گذرد. باور نمی‌کنی که داستان و شخصیت‌هایش، اگرچه زبیده ذهن نویسنده است اما خودش می‌گوید که از اتفاقات فضای واقعی مهاجرهای اروپای شرقی در ترکیه الهام گرفته. فضایی سرد و بی‌روح از بندری که حداقل بخش اروپایی و آسیایی ترکیه است. ماجرا، ماجرای اشغال زمین و خانه مهاجران در ترکیه است. جایی که زمانی پناهگاه مهاجران بوسنیایی و صرب و... بوده که بعد از فروپاشی عثمانی و جنگ‌های استقلال، به ترکیه آمدند. زولفو لیوانلی، آهنگساز و فیلمنامه‌نویس و رمان‌نویس اهل ترکیه، پیرزنی بوسنیایی، به نام لیلارا روایت می‌کند، که در زمان کودکی‌اش، بعد از فروپاشی عثمانی و جنگ‌های استقلال کشورهای اروپایی، توسط خانواده‌ای ترک تبار در زیر آوار پیدا شده و به فرزندخواندگی قبولش می‌کنند. پیرزن حالا خانه پدری‌اش که سند آن را هم دارد، توسط پسر مردی پولدار و بانفوذ در دولت ترکیه، به اشغال و تصرف درآمده و لیلارا سخت در تلاش است تا خانه‌اش را پس بگیرد. لیوانلی، با فلاش بک‌هایی به کودکی لیلارا، که زمان جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی است و جوانی‌اش که زمان شکل‌گیری کشورهای متعدد و تغییر نقشه اروپای شرقی است و زمان میانسال لیلارا، که دوره آغاز جنگ سرد و اوج حکمرانی بلوک شرق در بالکان است، این گستره تاریخی را به تصویر می‌کشد. لیلارا برای پس گرفتن خانه‌اش از بخش آسیایی ترکیه به بخش تقریباً مدرن و اروپایی آن می‌رود و لیوانلی به خوبی تقابل سنت و مدرنیته در کشور ترکیه و ارتباطش با مردم اروپای شرقی، تغییر به یکباره سبک زندگی و خلقیات جوانان و تغییر ذائقه مردم، در فاصله‌ای کم بین دو شهر در یک کشور را به مخاطب نشان می‌دهد. این رمان توسط صابر حسینی در نشر مروارید و محمدامین سیفی‌اعلا در نشر ناصرالدین به فارسی ترجمه شده.

خانه لیلارا

آزارشان به مورچه هم نمی‌رسید!

اردوگاه عذاب

وقتی اسم اردوگاه را می‌شنویم، ناخودآگاه یاد اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها برای یهودی‌ها می‌افتیم و آشویتس و قلم معروف فهرست شیندلر اسپیلبرگ. اما اردوگاه عذاب هر تا مولر، اتفاقات در اردوگاه کار اجباری در روسیه رخ می‌دهد، که محل نگهداری آلمانی تبارهای دستگیر شده در کشورهای اروپای شرقی است. سال پایان جنگ جهانی دوم و انداختن بمب اتم است، که شوروی تا وسط‌های اروپا رفته. در رومانی، جوانی ۱۷ ساله به نام لثو به خاطر رگ و ریشه آلمانی‌اش دستگیر می‌شود. لثو، اتفاقات و احوالاتش را در این پنج سال اسارت در اردوگاه، به‌صورت پراکنده بازگو می‌کند. سیر روایی رمان به‌صورت داستان یکپارچه و به هم متصل نیست. هر بخش رمان انگار یادداشت‌های روزانه یا نامه‌های واقعی شخصی حقیقی است که از زبان لثو برای کسی در بیرون اردوگاه نوشته شده. البته که داستان این کتاب برداشتی قصه‌گون از سرنوشت واقعی شاعر رومانیایی، اسکار باستیور است، اما مولر تفاوت‌هایی بخصوص برای سرنوشت لثو در نظر گرفته که با سرنوشت اسکار در واقعیت تفاوت دارد. بخصوص اتفاقات بعد آزادی از اردوگاه. اسکار باستیور، بعد از آزادی و چندین و چند سال زیر نظر گرفته شدن توسط سرویس اطلاعات رومانی کمونیستی با آنها همکاری کرد و خبرچین‌شان شد. عنوان اصلی کتاب، فرشته گرسنگی است که در ترجمه فارسی به اردوگاه عذاب تغییر کرده. در دل داستان متوجه می‌شویم که فرشته گرسنگی چیست. موجودی یا در اصل مفهومی انتزاعی که لثو با آن قصد دارد تغییر رفتار آدم‌ها، تغییر عقیده و چهارچوب‌های اخلاقی‌شان را هنگام تحت فشار بودن عنوان کند. او به کار کردن زیاد و غذای کم دریافت کردن اسرا اشاره می‌کند و می‌خواهد بگوید هر کسی با هر خلقیات و روحیه‌ای دست به چه جنایت‌هایی برای چند لقمه غذای بیشتر که نمی‌زند؛ این تغییر از نظر لثو چیزی است مثل فرشته مرگ. اردوگاه عذاب یا ترجمه شروین جهانبخش در نشر خوب منتشر شده است.

